

فصلنامه علمی «پژوهش مسائل اجتماعی ایران»

شماره یکم، پاییز ۱۴۰۰: ۹۶-۵۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی

جوانان و تجربه گریز در فضاهای شهری

فردین علیخواه*

چکیده

طی سال‌های اخیر، جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان شهری به موضوع جوانان و استفاده آنان از فضاهای عمومی شهری اقبال بیشتری نشان داده‌اند. در این خصوص از طرفی شاهد تحقیقاتی هستیم که با رویکردهای جرم‌شناسانه با فضای شهری مواجه شده‌اند و در کنار آن، رویکردهایی که با تکیه بر مفاهیمی همچون به حاشیه راندن، طرد و محروم‌سازی گروه‌های اجتماعی از فضاهای عمومی شهری، تحقیقات خود را سامان داده‌اند. در این تحقیقات به موضوعاتی همچون طرد و در مقابل مقاومت جوانان پرداخته می‌شود و این پرسش مطرح است که جوانان با اتخاذ استراتژی‌هایی همچون شخصی‌سازی مکان و قلمروسازی در قلب فضاهای عمومی، چگونه تلاش می‌کنند تا امضای خود را بر فضا ثبت کنند. مطالعه حاضر با تکیه بر مردم‌نگاری شهری در پیاده‌راه برادران مظفر شمالی شهر تهران انجام شده است. هدف اصلی پژوهش آن است تا لایه‌های مختلف استراتژی محروم‌سازی و به حاشیه راندن توسط نهادهای رسمی و اجتماع محلی که برخی از محققان شهری از آن با عنوان «پالایش مکان» یاد می‌کنند، شناسایی شده، همچنین استراتژی‌های مختلف جوانان حاضر در این میدان (پیاده‌راه) برای کنار آمدن، خنثی کردن و مقاومت در برابر طرد نشان داده شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که این پیاده‌راه برای جوانان، محل گریز از نگاه خیره نهادهای رسمی به شمار می‌رود. همچنین به‌کارگیری استراتژی طرد و دوری جستن از استراتژی دربرگیری که نهادهای رسمی و اجتماع محلی اعمال می‌کنند، موفق نبوده و موجب شکل‌گیری سوبه‌های مقاومت در بین جوانان گشته است.

واژه‌های کلیدی: جوانان، استراتژی‌های طرد، پاکیزه‌سازی فضا، مقاومت و سیاست خیابان.

مقدمه

ویکاس مهتا^۱ در کتاب «خیابان؛ نمونه اصلی یک فضای عمومی اجتماعی»، این ایده را پرورش می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی فضاهای عمومی شهری را باید اجتماع‌پذیری آنها قلمداد کرد. ایده مرکزی او در این کتاب آن است که فضاهای عمومی شهری، زمانی دارای رونق و نشاط اجتماعی‌اند که اقشار مختلف در آنها حضور گرمی داشته باشند و این مکان‌ها بیش از آنکه تنها یک معبر^۲ قلمداد شوند، مکانی برای مکث و معاشرت اجتماعی باشند (ر.ک: مهتا، ۱۳۹۸). مکان‌های عمومی فاقد ویژگی اجتماع‌پذیری و خالی از حضور انسان‌ها، کالبد‌های بی‌روحي هستند که ساخته شده‌اند تا صرفاً ساخته شده باشند، بدون آنکه به حیات اجتماعی آنها نیز به درستی اندیشیده شده باشد. در همین خصوص، پیشتر از محققانی همچون مهتا، جین جیکوبز^۳، شهرساز پرآوازه آمریکایی در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» از همین زاویه به نقد شهرهای آمریکا پرداخت و جانانه از فضاهای عمومی‌ای دفاع کرد که با آغوش باز، پذیرای مردم‌اند (ر.ک: جیکوبز، ۱۳۹۶).

طی دو دهه گذشته، گسترش پیاده‌راه‌سازی، یکی از اقداماتی بوده است که در راستای گسترش فضاهای عمومی شهری و با هدف ارتقای کیفیت زندگی شهری، مورد توجه مدیران شهری قرار گرفته است. توجیهات مختلف روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، سیاسی، زیست‌محیطی و حتی فلسفی می‌توان برای گسترش پیاده‌راه در شهر آورد (ر.ک: معینی، ۱۳۹۰). برای مثال پیوند عدالت اجتماعی و سرمایه فرهنگی، یکی از آنهاست. این استدلال وجود دارد که همه اقشار اجتماعی، فرصت، توان مالی و حتی سلیقه فرهنگی ندارند تا در سالن‌های کنسرت، گالری‌های هنری و موزه‌ها حضور یابند. پیاده‌راه‌ها و رویدادهای فرهنگی و هنری که در آنها حیات می‌گیرند و جریان می‌یابند، به‌ناچار رهگذران را در معرض هنر خیابانی^۴ قرار می‌دهد. این امر، فرصتی برای آشنایی این اقشار با هنر و ارتقای سرمایه فرهنگی آنان فراهم می‌آورد. از دیگر سو، از منظری

1. Vikas mehta
2. pathway
3. Jane Jacobs
4. Street art

سیاسی نیز می‌توان به ساخت پیاده‌راه و گسترش فضاهای عمومی توجه داشت. گسترش پیاده‌راه‌ها موجب تقویت فرهنگ صلح و مدارای اجتماعی در شهر می‌گردد. پیاده‌راه‌ها، به‌ویژه پیاده‌راه‌های فرهنگی و هنری غیر مستقیم می‌توانند از افزایش خشونت در شهرها جلوگیری کنند؛ زیرا آوردن هنر به مقابل چشمان مردم، آن هم در فضاهای عمومی، لطافت و زیبایی را در شهر می‌گستراند. پیاده‌راه‌ها می‌توانند ساکنان شهر را در معرض شعر، موسیقی و نقاشی قرار دهند و به این طریق، موجب تلطیف عواطف و تقویت «دگرپذیری» در بین شهرنشینان گردند.

گسترش پیاده‌راه موجب تضعیف سیطره اتومبیل بر حیات شهری می‌گردد. متفکرانی همچون لوفور همواره با سیطره اتومبیل‌ها بر شهر، مواجه‌ای انتقادی داشته‌اند. از نظر او، هم‌اکنون شهر تابعی از مسیرها و خیابان‌ها شده است که در همه‌جا حضور دارند. حضور نظم هندسی عقلانی‌شده در همه‌جا و نیز حضور جاده‌ها و سایر فضاهای طراحی‌شده برای ترافیک ماشین‌ها در شهرهای امروزی از نظر لوفور (لوفور، ۱۹۷۴) ۱۹۹۳: ۵۰ به نقل از انگلیس، ۱۳۹۱: ۱۰۷) وضعیتی را به وجود می‌آورد که در آن فضا به جای اینکه برای مثال دارای مکان‌های سبز برای مردم باشد تا در آن راه بروند و هوای تازه تنفس کنند، تنها برحسب نیازهای رانندگی اتومبیل طراحی می‌شود. اتومبیل، معرف شکیلی از فهم فضای اجتماعی است که به شدت و مدام جریان‌های ترافیکی و تردد خودرویی را بر نیازهای دیگری نظیر پیاده‌روی، مسکن و حفاظت زیست‌محیطی برتری می‌دهد. این زیرسیستم، بخش مهمی از زندگی روزانه بسیاری از مردم را به تصرف درآورده و در عین حال ما را قادر ساخته که با هم بیامیزیم، بی‌آنکه ملاقات (حضور) داشته باشیم. این زیرسیستم، «همبودی بدون تبادل و ارتباط^۱» را ایجاد کرده است (باتلر، ۱۳۹۹: ۵۸؛ Scott, 2013).

لوفور، گزارش جالبی از تأثیر ماشین بر زندگی روزمره ارائه می‌دهد. ایده کلی وی آن است که زندگی روزمره ما تا حد زیادی با فرهنگ ماشین شکل می‌گیرد، هرچند ما اغلب در تشخیص تأثیرات آن ناتوان هستیم. از نظر لوفور، ماشین و پیامدهای آن مثل بزرگراه‌ها و جاده‌های آسفالت، تأثیر عظیمی بر هستی شهرهای مدرن گذاشته و

فضاهای شهری را به صورتی شدیداً عقلانی از نو طرح‌ریزی کرده‌اند. از نظر او، ویژگی اصلی شهرهای مدرن، ازدیاد جاده‌های وسیع و مکان‌هایی برای پارک ماشین‌هاست. نتیجهٔ چنین رشدی، کاهش خیابان‌های درخت‌کاری شده، فضاهای سبز و باغ‌هاست (لوفور، [۱۹۷۴]: ۱۹۳۳: ۳۵۹. به نقل از انگلیس، ۱۳۹۱: ۱۰۶). به باور لوفور، وضعیت ترافیک تبدیل به یکی از کارکردهای اصلی یک جامعه شده است. اولویت فضاهای پارک ماشین (خیابان‌ها و بزرگراه‌ها)، تمامیت فضا را در حوزه‌های شهری معاصر اشغال کرده‌اند. همان‌گونه که وی خاطر نشان می‌کند، می‌توان گفت که اتومبیل، زندگی روزمره ما را تسخیر کرده است، به طوری که قوانین خود را تحمیل می‌کند. امروزه بخش عظیمی از زندگی روزمره به مصاحبت با صدای موتورها می‌گذرد (لوفور [۱۹۶۸]: ۱۹۷۱: ۱۰۱. به نقل از انگلیس، ۱۳۹۱: ۱۰۶). تسخیر زندگی روزمره شهری توسط اتومبیل، ایدهٔ کلیدی نهفته در نقد لوفور محسوب می‌شود.

نکته دیگری که در همین راستا باید به آن توجه داشت، اتخاذ سیاست‌های در برگیرنده یا پردکننده در سیاست‌های مربوط به فضاهای عمومی است (Sibley, 2002). پرسش آن است که فضاهای عمومی که یکی از ویژگی‌های اصلی آنها، حضور برابر همه اقشار اجتماعی در آن است، چقدر در برگیرنده‌اند؟ آیا تمایزات اجتماعی و همچنین نابرابری‌های معطوف به طبقه، جنسیت و قومیت، همچنان در این فضاها حضور دارند یا آنکه همه ساکنان شهر به شکلی برابر از فرصت و امکان حضور در این فضاها برخوردارند؟ (ر.ک: جفی و کانینگ، ۱۳۹۹).

علی‌رغم موارد پیش‌گفته، نکته درخور تأمل آن است که گسترش فضاهای عمومی نظیر پیاده‌راه در حد ایده و روی کاغذ، درخشان و فریبنده است، ولی آنچه «پس از بهره‌برداری» یا «پس از افتتاح» رخ می‌دهد، ممکن است لزوماً همانی نباشد که پیشتر روی کاغذهای گلاسه و در اتاق‌های شیشه‌ای پیش‌بینی شده است. در ایران و در سطح جهان، پیاده‌راه‌هایی بوده‌اند که ساخته شدند، ولی در جذب اقبال عمومی شکست خوردند و یا پیاده‌راه‌هایی که پس از افتتاح، نه تنها نتوانستند حمایت اجتماع میزبان^۱ را به دست آورند، بلکه برعکس، موجب اعتراض، خشم عمومی و نارضایتی‌های محلی

1. Host community

گشتند (ر.ک: فاضلی و علیخواه، ۱۳۹۳).

موضوع دیگر، حضور جوانان و گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضاهای جدید همچون پیاده‌راه است. در این دست مطالعات، این پرسش مطرح است که فضاهای عمومی شهری تا چه حد پذیرای دیگری‌های متفاوت هستند؟ بدون تردید ساخت پیاده‌راه فرهنگی، بالقوه می‌تواند برای گروه‌های متنوع اجتماعی جذاب باشد، ولی اجتماعات محلی تا چه اندازه مستعد مدارای اجتماعی با آنان هستند؟ (ر.ک: White, 1993).

در این مقاله با تمرکز بر تعامل اجتماع محلی با استفاده‌کنندگان از مکان یعنی جوانان تلاش می‌شود تا حیات پیاده‌راه فرهنگی خیابان برادران مظفر شمالی در شهر تهران توصیف و تحلیل شود. نقطه عزیمت مقاله حاضر، تعامل فضا، جوانان و اجتماع محلی خواهد بود.

چارچوب مفهومی

پیشینه تحقیق

با مرور مقالات مختلف در حوزه فضاهای عمومی شهری می‌توان این برداشت اولیه را داشت که توجه به آن کم و بیش در بین معماران و شهرسازان وجود داشته است ولی از اواخر سال‌های دهه ۱۳۷۰ و با گسترش مباحثی همچون حوزه عمومی و جامعه مدنی، عنایت محققان علوم اجتماعی نیز نسبت به آن افزایش یافت. در سال‌های اخیر نیز مقالات و پایان‌نامه در این خصوص افزایش چشمگیری داشته و شاهد تنوع رویکردها، میدان‌های مطالعه و روش‌های پژوهش هستیم. بی‌تردید در این مقاله نمی‌توان به همه آنها پرداخت و تلاش می‌شود تا صرفاً جمع‌بندی از آنان ارائه داد.

برخی از آثار به گروه‌های مشخص و مکان‌های مشخصی در دل فضاهای عمومی، نظیر کافه‌ها و پاساژها توجه کرده‌اند. برای نمونه، وحید شالچی (۱۳۸۶) با پیمایشی در منطقه ۳ شهر تهران، به مطالعه سبک زندگی جوانان، به تعبیر ایشان، کافی شاپ پرداخته است. در همین خصوص، برای نمونه، علیخواه و شادمنفعت (۱۳۹۵) «عشاق جوان شهری»، و ابادری و کاظمی گروه‌های فرودست شهری همچون زنان خانه دار، مردان بازنشسته، جنوب شهری‌ها و نوجوانان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. پرسه زنی در

شهر از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که در قالب آن نحوه مواجهه جوانان با فضاهای عمومی شهری بررسی شده است. در این زمینه به تدریج شاهد تکیه بر مفاهیمی همچون قدرت، هژمونی و مقاومت در مطالعات هستیم. برای مثال محمدی و محمودی (۱۳۹۷) با انتخاب خیابان پاسداران در شهر سنندج، و با روش مردمنگاری انتقادی، و غالباً با شرح دیدگاه‌های هنری لوفور در خصوص فضا، تلاش کرده‌اند رویه‌های مقاومتی را نشان دهند که از طرف استفاده‌کنندگان از فضا یعنی جوانان اتخاذ می‌گردد. در همین راستا، برخی از مطالعات خواسته‌اند به واکاوی معنابخشی به تجربه پرسه زنی (محمدی، جهانگیری، پاکدامی، ۱۳۹۴) از طریق مردمنگاری شهری بپردازند. برخی از مطالعات، به مفاهیم متفاوتی اقبال نشان داده و تلاش کرده‌اند تا از زاویه آن مفاهیم پدیده حضور در شهر و پرسه زنی را بررسی نمایند که برای نمونه می‌توان به پژوهش فکوهی و امیری (۱۳۹۴) اشاره کرد که در چارچوب دو مفهوم اوقات فراغت و بدن‌مندی (بدن فردی، بدن اجتماعی)، و روش مردمنگاری تجربه پرسه‌زنی در شهرک غرب تهران را مطالعه کرده‌اند.

در مجموع می‌توان گفت که با تفاوت‌های اندکی، مقاومت و زندگی روزمره جزء مفاهیم کانونی این مطالعات محسوب می‌شود. نقطه ضعف بخشی از مطالعات فقدان توجه به تحقیقات و محققانی است که در کشورهای مختلف به شکلی مستقیم به بررسی فضاهای عمومی شهری و جوانان اهتمام ورزیده‌اند. در واقع اغلب مطالعات به دیدگاه دو سرتو تکیه کرده و نسبت به مطالعات شهری پس از او در زمینه جوانان و ظهور مباحثی همچون قلمروسازی، شخصی‌سازی فضا، تطهیر فضاهای عمومی، پردشدگی و سیاست‌های خیابان غفلت ورزیده‌اند.

مفاهیم و دیدگاه‌ها

پیاده‌راه، یکی از اقسام فضاهای عمومی در شهر است. معینی در کتاب «شهرهای پیاده‌مدار»، پیاده‌راه‌ها را نواحی یا معابری تعریف می‌کند که به شکلی انحصاری در اختیار پیادگان قرار می‌گیرد و وسایل نقلیه موتوری تنها به منظور دسترسی و سرویس‌دهی ضروری، حق ورود به آن را دارند (معینی، ۱۳۹۰: ۲۱). سایر محققان تلاش

کرده‌اند تا ویژگی‌های یک پیاده‌راه موفق را برجسته نمایند. در همین زمینه، شرلی سکندا^۱ با ارزیابی فضاهای عمومی متعدد در سراسر جهان، در «پروژه فضاهای عمومی» نشان داده است که یک فضای عمومی موفق باید دارای چهار ویژگی کلیدی باشد:

- دسترس پذیری
- مردم در فعالیت‌های آن درگیر شوند.
- فضا، فضای راحتی باشد و تصویر خوبی از آن به وجود آید.
- فضایی گرم از نظر اجتماعی باشد، مردم در آن همدیگر را ببینند و وقتی به آنجا می‌آیند، فضا پذیرای آنها باشد (ر.ک: Secunda, 2006).

جفی و کانینگ معتقدند که فضای عمومی اشاره دارد به فضاهای شهری بازتر، قابل دسترس‌تر و اجتماعی‌تر و فضای خصوصی عبارت است از فضاهای خانگی محصورتر و محدودتر (جفی و کانینگ، ۱۳۹۹: ۹۱). زکری نیل^۲، اقسام و انواع دیدگاه‌ها و تحقیقات درباره فضای عمومی را طبقه‌بندی و خلاصه کرده است. وی در مقاله خود (۲۰۱۰) به شرح سه دیدگاه نسبت به فضاهای عمومی می‌پردازد (جدول شماره ۱) که به شرح زیر است:

- **رویکرد حقوقی- اقتصادی:** این رویکرد در جست‌وجوی پاسخ به پرسش‌های عینی و ملموس درباره فضای عمومی است و تلاش کرده است تا پایه‌های تعریفی و پایه‌های نهادی برای سایر بررسی‌ها را فراهم آورد. مهم‌ترین پرسش در این دیدگاه آن است که از نظر حقوقی، چه عرصه‌هایی را می‌توان فضای عمومی دانست؟ در همین راستا نیل به تعاریف موجود در قوانین امریکا اشاره می‌کند که در سال ۱۹۸۳، توسط دادگاه عالی ایالات متحده اتخاذ شد که در آنها به سه عرصه اشاره شده است: نخست اینکه محل‌های اجتماع عمومی شامل خیابان‌ها و پارک‌ها هستند. این محل‌ها از قدیم‌الایام به عنوان امانت برای استفاده‌های عمومی نگه‌داری می‌شوند و از آنها برای گردهمایی، تبادل افکار بین شهروندان و بحث درباره مسائل عمومی استفاده می‌شود. ویژگی بارز آنها، گشودگی و در دسترس عموم بودن است و ابراز عقیده تنها در موارد

1. S. Secunda

2. Z. Neal

بسیار نادر و خاص محدود می‌شود. قسمت‌های تعیین‌شده برای آزادی بیان در شهر در همین ردیف قرار می‌گیرد. در طرف دیگر، فضای عمومی با حداقلی از گشودگی قرار دارد که محل‌های اجتماع غیر عمومی^۱ اند. اینها، اموال عمومی هستند، ولی بنا بر سنت و یا بنا بر نوع طراحی، محلی برای اجتماع با هدف ارتباطات عمومی نیستند. اینکه چه کسانی و چگونه از این عرصه‌ها استفاده کنند، می‌تواند محدود به گروه‌های مشخصی باشد. بین این دو عرصه، قسم سومی نیز وجود دارد: اینها محل‌های اجتماع محدود^۲ که در برگیرنده املاک عمومی است که برخلاف پارک‌ها و یا خیابان‌ها، بنا بر سنت، گشوده نیستند، ولی دولت این مکان‌ها را به عنوان مکان‌هایی برای فعالیت‌های خاص بیان یا ابرازگری برای استفاده عموم باز کرده است (Neal, 2010: 60).

به جز جنبه حقوقی، در بعد اقتصادی مربوط به فضای عمومی، این دست فضاها به عنوان یک کالای عمومی تلقی می‌شود که در سال ۱۹۴۵، پل ساموئلسون^۳ آن را تعریف کرد. در اینجا، این فضاها منبعی تلقی می‌شوند که افراد نمی‌توانند از استفاده یا بهره‌برداری از آن منع گردند (غیر قابل محروم‌سازی^۴) و چیزی هستند که مصرف یک نفر از آن، مصرف بالقوه دیگران از آن را کاهش نمی‌دهد (رقابت‌ناپذیر^۵). نیل در مقاله خود به استدلال وبستر اشاره می‌کند و بنا بر آن معتقد است که مسیر تغییر و تحول در فضاهای عمومی اغلب چنین بوده است که از یک کالای عمومی ناب به یک کالای خصوصی ناب تبدیل شود. سرآغاز فضاهای عمومی همواره به عنوان کالاهای عمومی ناب بوده است که دولت آن را فراهم آورده است، اما با افزایش محبوبیت و استقبال از آنها و به دلیل افزایش استفاده از آنها، این کالا می‌تواند موضوع مصرف رقابت‌پذیر باشد. نتیجه آنکه برای مدیریت چنین تراکمی (انبوه استفاده‌کنندگان)، سازمان‌های مسئول، مقرراتی وضع می‌کنند تا استفاده از آن را محدود سازند و به این شکل، رقابت‌پذیری آن کاهش می‌یابد و فضا نه در برگیرنده، بلکه بیشتر محروم‌کننده می‌گردد. با گسترش

1. non-public forum

2. the limited public forum

3. P. Samuelson

4. non-excludable

5. non-rivalrous

این دست مقررات و اعمال کنترل بر قسمت‌های مشخصی از شهر و بر افراد و گروه‌های معینی، فضای عمومی در بخش‌هایی و یا در کلیت آن، ویژگی یک فضای خصوصی را به خود می‌گیرد (Neal, 2010: 60).

علاوه بر طرح موضوعاتی همچون اداره و ایجاد فضاهای عمومی توسط بخش دولتی و یا بخش خصوصی، این دیدگاه به پیامدها و جنبه‌های اقتصادی فضاهای عمومی هم می‌پردازد. اینکه فضای عمومی ارزش اقتصادی دارد یا خیر. در اینجا این استدلال مطرح می‌شود که فضاهای شبه‌عمومی مانند رستوران‌ها و مراکز خرید برای حیات اقتصادی شهرهای مدرن، امری ضروری هستند.

جدول ۱- خلاصه دیدگاه‌ها درباره فضای عمومی

سیاسی	اجتماعی - فضایی	حقوقی-اقتصادی	محورها
نقش آن در دموکراسی چیست؟	فضای عمومی شبیه به چیست؟ چگونه استفاده می‌شود؟	- چه چیز شامل فضای عمومی می‌شود؟ - چه کسی هزینه آن را تقبل می‌کند؟	پرسش‌های مرکزی
قدرت و کنترل طرد و محروم‌سازی خصوصی‌سازی	طراحی، نقشه‌های ذهنی، جدایی‌گزینی، سلامتی، نظم مدنی، هویت	- دکترین محل اجتماع عمومی - کالاهای عمومی - مناطق تجدید حیات کسب‌وکارها	عناوین عمده
پارک مورد منازعه	منظر خیابانی شهر	امکانات و تسهیلات عمومی	نمونه اولیه اصلی
انتقادی	خوش‌بین	خنثی	نگرش به فضای عمومی
در حال زوال	در حال تحول	توأم با تردید	آینده فضای عمومی
کنشگری	اصول طراحی	سازوکارهای تأمین بودجه	مفاهیم عملی
هانا آرنه	جین جیکوبز	دیوان عالی امریکا	مؤسسان کلیدی

یورگن هابرماس هنری لوفور	کوبین لینچ ویلیام اچ. وایت	پل ساموئلسون	
--------------------------------	-------------------------------	--------------	--

- **رویکرد اجتماعی - فضایی:** این رویکرد، وجود فضای عمومی را مسلم فرض می‌کند و بیشتر به پرسش‌هایی درباره طرحی و اجرای آنها توجه دارد. در مقایسه با دیدگاه پیشین، در این دیدگاه، جنبه قانون و مقررات ضعیف‌تر می‌شود و در عوض، این پرسش مطرح است که این نوع فضاها چگونه هستند و یا چگونه باید به نظر برسند و چگونه استفاده شوند؟ در همین راستا اغلب به آثار و نوشته‌های لینچ، جیکوبز و وایت^۱ اشاره می‌شود. بر این اساس اغلب دو جهت‌گیری بر این دست تحقیقات حاکم است: در جهت‌گیری نخست، فضاها عمومی، کارکردهای اجتماعی کلیدی دارند و باید دید که چگونه می‌توان با طراحی و برنامه‌ریزی دقیق، بهره‌برداری و بهره‌مندی از این فضاها را افزایش داد. در جهت‌گیری دوم، هرچند به اهمیت برنامه‌ریزی و طراحی دقیق اذعان می‌شود، اغلب بر کارکردها و پیامدهای اجتماعی فضاها عمومی تأکید می‌شود. در مواردی، این کارکردهای اجتماعی به شکل تنگاتنگی به فرم فیزیکی فضا پیوند یافته است. در اینجا تحقیقات گسترده‌ای درباره ارتباط میان کارکرد اجتماعی و فرم فیزیکی انجام یافته است و این پرسش مطرح است که فضاها عمومی چگونه می‌توانند فعالیت‌های فیزیکی را تشویق کنند (Neal, 2010: 61).

نیل در مقاله خود یادآور می‌شود که کسانی مانند جیرین^۲، بین فضا و مکان تفاوت قائل می‌شوند. از نظر او، فضا عمدتاً بیانگر موقعیتی است که با هندسه‌های انتزاعی فاصله و جهت تعریف می‌شود و مکان بیانگر موقعیتی است که با معانی‌ای که از طرف استفاده‌کنندگان به آن نسبت داده شده، تعریف می‌گردد^(۱). پس برخی از پژوهشگران که نگرش اجتماعی-فضایی دارند، ممکن است به بررسی مکان عمومی (و نه فضای عمومی) بپردازند. این مکان‌های عمومی به عنوان مکان‌های سوم^۳ قلمداد می‌شوند که برخی از پژوهشگران شهری نظیر اولدنبرگ^۴، آن را بررسی کرده‌اند. در مجموع این

1. Lynch, Jacobs and Whyte

2. T. F. Gieryn

3. third places

4. R Oldenburg

دیدگاه به باور نیل، سه ویژگی عمده دارد:

- منظر خیابان^۱ شهری را به عنوان نقطه کانونی کهن‌الگوی خود انتخاب می‌کنند.
- آنها از منظری نسبتاً خوش‌بینانه به فضای عمومی می‌نگرند و به کژکارکردهای اجتماعی به عنوان مهم‌ترین ویژگی فضا نمی‌پردازند.
- در ارزیابی آینده فضای عمومی این رویکرد عقیده دارد که این مکان‌ها متحول خواهند شد، اشکال قدیمی فضای عمومی ممکن است از بین برود اما اشکال و فرم‌های جدید آن نیز خلق خواهد شد.

- **رویکرد سیاسی:** این رویکرد در تضاد با رویکرد اجتماعی - فضایی، موضعی انتقادی دارد. این دیدگاه، فضای عمومی را بستر تعارض و تضاد قلمداد می‌کند که مردم از آن محروم می‌گردند و بر آن سلطه و چیرگی وجود دارد. در نهایت آنکه آن را نهادی می‌بیند که به سرعت همانند خود دموکراسی در حال زوال است. بنیادهای فکری این دیدگاه، آثار و نوشته‌های هابرماس، آرنست و لوفور^۲ است. طبق این دیدگاه، ما به این دلیل که به شکل روزافزون اغلب زندگی‌های خصوصی‌مان را داریم و در واقع وقت بیشتری را در فضاهای خصوصی‌مان صرف می‌کنیم تا فضای عمومی، در نتیجه شاهد کاهش معنادار مشارکت‌ها و حضورهای سیاسی‌مان در فضاهای عمومی هستیم. تحقیقات مبتنی بر این دیدگاه به مفاهیمی همچون «حق به شهر» هنری لوفور اشاره می‌کنند. محروم‌سازی و طرد برخی گروه‌های اجتماعی از فضاهای عمومی و همچنین کنترل رفتار در فضاهای عمومی، گشودگی فضا و دسترس‌پذیری عمومی، جزء موضوعات کلیدی این دیدگاه محسوب می‌شود. در این دست تحقیقات، حاکمیت ترس در محیط‌های عمومی نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

جوانان و فضای عمومی شهری

کارل مالون^۳ در مقاله خود با عنوان «زندگی خیابانی، جوانان، فرهنگ و کاربردهای

1. streetscape

2. Habermas, Arendt and Lefebvre

3. K. Malone

رقابتی فضاهای عمومی» که در سال ۲۰۰۲ منتشر کرد، در اهمیت خیابان معتقد است که خیابان‌ها، بستر برخورد‌های اجتماعی و اعتراض سیاسی، حیطة سلطه و مقاومت و محل لذت و اضطرابند (مالون، ۱۳۹۵: ۱۶۷). شاید وی در کوتاه‌ترین جمله به کارکردهای اصلی خیابان اشاره کرده باشد. او در مقاله خود تلاش می‌کند تا از جنبه‌های دیگری به «مسئله» خیابان بپردازد. به نظر وی، در خیابان‌های شهر، برخی از اعضای اجتماع نسبت به پدیده‌هایی همچون تفاوت، عدم قطعیت و «دیگری ناهمنوا^۱»، احساس ناخوشایندی دارند. او بخشی از دلیل را به رسانه‌ها و سیاست‌مداران ربط می‌دهد و معتقد است که آنها، نقشی کلیدی در سوءاستفاده از حساسیت‌های ما در این خصوص بازی می‌کنند. آنها معمولاً رخدادها و مردم را دیوآسا جلوه می‌دهند و اعمال محدودیت و نظم بخشیدن به کسانی را که در خطر آسیب رساندن به خود یا دیگران هستند، تشویق می‌کنند. «ترس از جرم در خیابان»، ساکنان شهر را نسبت به کسانی که رفتارهایی متفاوت با جریان غالب دارند، حساس می‌کند (همان).

جوانان، مهم‌ترین گروه اجتماعی هستند که مالون با تکیه بر تجارب کشور استرالیا در مقاله خود به آنان پرداخته است. از نظر مالون، قابل رؤیت بودن جوانان و استفاده رقابتی آنها از فضای خیابان، آنها را در خط مقدم تعارضات در باب کاربرد خیابان قرار می‌دهد. از نظر او، نگرستن به جوانان به عنوان یک تهدید بالقوه، آنها را در وضعیتی مبهم در خصوص فضا قرار می‌دهد. بسیاری از آنان، افرادی نامطلوب تلقی شده، منشأ نگرانی دانسته می‌شوند. به جز جوانان، سایرین هم کسانی هستند که باید مراقب آنان بود (همان: ۱۷۵). مالون با ارجاع به راب وایت^۲ بیان می‌دارد که خیابان برای بسیاری از جمعیت جوان، بیانگر فضایی برای ابراز خویشتن بدون کنترل والدین یا «بزرگسالان» است که آنان با خرج کم یا حتی بدون خرج اقتصادی و مالی در اختیار دارند. همچنین قلمرو یا سپهری است که اتفاقات در آن رخ می‌دهد؛ جایی است که مردمی برای تماشا حضور دارند و در آن می‌توان توسط دیگران دیده شد. دیده شدن، مفهوم مهمی در مطالعات مربوط به جوانان و شهر است. خلاصه برای بسیاری از جمعیت جوان، خیابان

1. unconfirming other

2. R. White

محلی مهم برای فعالیت اجتماعی است و تجاوز «مراجع قدرت» به امور اجتماعی فرد می‌تواند باعث ایجاد تنفر و مقاومت شود، به خصوص اگر به صورتی خشک و با تحکم انجام شود (مالون، ۱۳۹۵: ۱۷۶).

مالون با اشاره به کتاب سیبلی^۱، به عنوان جغرافی‌دانی که همه‌جا درباره شیوه‌های محروم‌سازی^۲ و حذف در فضای عمومی می‌نویسد، با استفاده از اصطلاحات فضاهای باز و فضاهای بسته، چهارچوب مفیدی برای اندیشیدن درباره مرزها عرضه می‌کند که در جدول (۲) نشان داده شده است. سیبلی معتقد است که یک فضای به شدت طبقه‌بندی شده^۳، مرزهای به شدت تعریف شده‌ای دارد. یکدستی و نظم داخلی آن واجد ارزش تلقی می‌شود و دارای دغدغه حفاظت از مرزها برای بیرون نگه داشتن اشیا و مردمی است که در طبقه‌بندی مشترکی (یا فرهنگ) که گروه غالب (خودی‌ها) ایجاد کرده، نمی‌گنجد. نظم و ترتیب طراحی و رؤیت‌پذیری بالای مرزهای درونی که از الگوهای سنتی سازمان‌دهی اجتماعی فاصله می‌گیرد، آنچه را از نظر فرهنگی متفاوت به نظر می‌رسد، منحرف و تفرقه‌افکن جلوه می‌دهد. نمونه‌هایی از فضاهای به شدت طبقه‌بندی شده شامل بازارچه‌های خرید، کلیساها، مدارس و فضاهایی است که تنها افراد خودی و آداب‌دان‌ها در آنها پذیرفته می‌شوند. در اینجا تفاوت، تشویق و تحمل نمی‌شود.

جدول ۲- خصوصیات فضاهای باز و بسته

خصوصیات	فضاهای باز	فضاهای بسته
تعریف مرز	مرزهای کمتر تعریف شده	مرزهای به شدت تعریف شده
نظام ارزش	حمایت از ارزش‌های گوناگون	هنجار کردن ارزش‌های مسلط
پاسخ به تفاوت و تنوع	تجلیل از تفاوت و تنوع	تحمل نکردن تفاوت و تنوع
نقش اعمال نظارت	عدم ضرورت اعمال نظارت بر مرزها	حفاظت مرزها، سطوح وسیع نظارت

1. D. Sibley
2. exclusionary practices
3. *strongly* classified space

اشغال مرکز توسط مردم	اشغال حاشیه توسط مردم	موقعیت عموم
تک فرهنگی	چندفرهنگی	نگرش فرهنگی

از نظر سیبیلی، در مقابل فضاهای کمتر طبقه‌بندی شده، مرزهای باز یا کمتر تعریف شده قرار دارند و با اختلاط اجتماعی و تنوع مشخص می‌شوند که محل‌هایی همچون اماکن ورزشی، کارناوال‌ها و فستیوال‌ها هستند. تفاوت و تنوع در فرهنگ، هویت و فعالیت در این فضاهای باز، تحمل، درک و حتی گاهی اوقات تجلیل می‌شوند. او معتقد است که اعمال نظارت بر این مرزهای باز، ضرورت چندانی ندارد، چراکه نگرانی چندانی برای قدرت یا محروم شدن وجود ندارد (مالون، ۱۳۹۵: ۱۶۸).

مالون با بررسی استراتژی‌های فضایی که در کشور استرالیا درباره جوانان اتخاذ شده است، به دو استراتژی مهم اشاره می‌کند. نخست، تعریف فضاهای مخصوص جوانان است. او معتقد است که این استراتژی را در بیانی متفاوت می‌توان «استراتژی ندیدن و نشنیدن»^۱ تلقی کرد. در این استراتژی، جامعه مشکل را با ساختن فضایی برای جمعیت جوان که در آن بتواند فعالیت‌هایشان را بدون مزاحمت برای کاربران مشروع فضای عمومی انجام دهند، حذف می‌کند. به جمعیت جوان، اتاق‌هایی در زیرزمین بازارچه‌های خرید و زمین‌های اسکیت در حومه شهرک‌ها تخصیص داده می‌شود و به این صورت امکان تعامل و تعارض بالقوه از میان برداشته می‌شود (همان: ۱۷۸). مالون این استراتژی را مؤثر نمی‌داند و در نقد آن معتقد است که فضاهای مخصوص جوانان، طوری نیستند که بتوانند کیفیت‌های فیزیکی و اجتماعی مثبتی مانند یکپارچگی اجتماعی، امنیت و آزادی تحرک را که جمعیت جوان در فضای عمومی به دنبال آن هستند، در اختیار بگذارد.

دوم، «استراتژی فضای توافقی جوانان»^۲ است. از نظر مالون، این رویکرد مشارکتی که در شکل‌های گوناگون در گوشه و کنار جهان به کار گرفته شده است، بر اهمیت ایجاد عرصه‌ای تمرکز دارد که جوانان و عموم در بحث‌ها و مذاکراتی درباره برنامه‌ریزی، توسعه و مدیریت فضای عمومی شرکت جویند.

1. not seen and not heard' strategy

2. Negotiating youth space

در نهایت از نظر مالون، سیاست یک خیابان باز در ابزارهای رسمی و ایدئولوژیک برای تصدیق و تأیید گروه‌های متفاوت و نیازهای فضایی آنها قرار دارد که می‌تواند از سه راه رخ دهد: نخست با دادن نمایندگی سیاسی به گروه‌ها برای ابراز نیازهایشان. دوم با تجلیل از فرهنگ‌های متمایز و خصوصیات گروه‌های متفاوت و در نهایت با بازاندیشی نقش خیابان‌ها به عنوان حیطه‌های فرهنگ جمعی و تولید و بازتولید فرهنگ (مالون، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

از نظر وی، شهر بدون ستم بر اساس باز بودن در مقابل «دیگربودگی غیر شبیه^۱» تعریف می‌شود. او در نقدی صریح معتقد است که در کشورهای پر درآمد، تلاشی وجود دارد تا فضا را بر اساس گروه‌های استفاده‌کننده مشروع و نامشروع جداسازی کنند و با ایجاد مقررات در زمینه رفت و آمد و گردش مردم و اطلاعات، در بسیاری از اجتماعات، امنیت ملی برقرار کنند. نیروهای ایجادکننده مرزهای دقیق و فضاهای مجزا برای اشاعه تعارضات در فضای عمومی شکل گرفته‌اند و بر تنظیم و حفاظت از نظام ارزش‌های مشترک تمرکز داشته‌اند. این امور بر تکیه بر نگاه استفاده‌کننده و استفاده شایسته از فضای عمومی شکل گرفته‌اند. سیبلی، این نیروها را با عنوان «تطهیر فضا^۲» به معنای نیاز به مرزهای بسته و دقیق، یکدستی و نظم درونی و ابزارهای حفاظت از مرزها شناسایی می‌کند (همان: ۱۷۳).

نقطه مثبت مقاله مالون، تلاش برای انگ‌زدایی از جوانان و حضور آنان در فضاهای عمومی شهری است. او با برجسته کردن مفاهیمی همچون «تطهیر فضا» و همچنین نشان دادن ویژگی‌های فضاهای باز و بسته، از سیاست فضای باز دفاع می‌کند و استراتژی فضای توافقی جوانان را روشی مؤثر برای ادغام جوانان در فضاهای شهری محسوب می‌کند.

راب وایت نیز از جمله محققانی است که در سال‌های پایانی قرن بیستم از منظر جرم‌شناسانه به مطالعه حضور جوانان در فضاهای شهری پرداخت. از نظر وایت، شهرها به انواع عرصه‌های عمومی و خصوصی تقسیم می‌شوند و اغلب بر اساس فعالیت‌ها،

1. unassimilated otherness
2. purification of space

جمعیت‌ها و دسترسی به منابع، دارای تفاوت‌های جنسیتی، طبقاتی و قومی هستند (White, 1993: 208). وایت و ساتون^۱ در مقاله مشترکی معتقدند که کارهای نظری درباره ماهیت فضا و زمان به طور پیوسته با تنوعی از مطالعات و مشاهداتی که به تجارب، پنداشت‌ها و نگاه‌ها به فضا از جنبه طبقه، جنسیت و پیشینه قومی توجه کرده‌اند، کامل شده است (وایت و ساتون، ۱۹۹۵: ۸۳). این کارها از تحلیل انواع مختلف خرده‌فرهنگ‌های جوانان (هال و جفرسون، ۱۹۷۶؛ مک روی، ۱۹۹۱؛ وایت ۱۹۹۳ به نقل از: وایت و ساتون، ۱۹۹۵: ۸۳)، تا تحلیل‌های متمرکز استفاده از فضاهای عمومی و فضاهای اجتماع به وسیله گروه‌های خاص نظیر افراد جوان (ر.ک: White, 1993)، این زاویه دید را در برمی‌گیرد که چگونه فضا برای گروه‌های «حاشیه‌ای» خاصی نظیر ساکنان بومی و اقلیت‌های قومی و به وسیله آنها به رسمیت شناخته شده و برساخت می‌شود (کونن، ۱۹۸۸، ۱۹۹۰؛ ادوارد، اوکلی و کاری، ۱۹۸۷؛ ساسن، ۱۹۹۳؛ می‌س، ۱۹۹۴ به نقل از: وایت و ساتون، ۱۹۹۵: ۸۳).

وایت در بیشتر آثار خود بیان می‌دارد که نحوه مدیریت فضاهای عمومی نقش زیادی در ساخت وضعیت اجتماعی دارد تا در آن جوانان و دیگران به هم پیوند یابند و اینکه تضادها یا تنش‌ها پیرامون یک مکان خاص حاکم شود. او با تقسیم کردن کنترل به دو شکل مثبت و منفی معتقد است که یک محیط با کنترل منفی می‌تواند موجب تصور احساس ناخوشایند و اضطراب نسبت به سیاست‌های غیر منصفانه و رویه‌های پلیسی شود. به عبارت دیگر، رویکرد مثبت، آن رویکردی است که نگرش‌ها و حقوق جوانان را محترم شمرده، از جوانان می‌خواهد که در اتخاذ راه‌حل‌ها شرکت کنند (White, 2002: 210). به تعبیر دیگر، وایت معتقد است که سیاست‌های مربوط به کنترل بر محیط و فضاهای عمومی باید با کمک کسانی اتخاذ شود که قرار است چنین کنترلی بر آنان اعمال گردد. او همواره تذکر می‌دهد که تشدید مقررات، رصد، کنترل و نظامی کردن فضای عمومی نمی‌تواند به حل مسئله «جرم خیابانی» (یعنی جرم جوانان) یا رابطه منفی بین پلیس و جوانان بینجامد (White, 1993: 199).

در مجموع با مرور دیدگاه‌های مختلف در زمینه فضاهای عمومی شهری و

جوانان، رویکرد این پژوهش دفاع از سیاست فضای باز است. تقسیم استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی شهری به استفاده‌کنندگان مشروع و استفاده‌کنندگان نامشروع، رویه‌ای است که در نهایت به زوال حیات اجتماعی فضاهای عمومی شهری خواهد انجامید. گشودگی فضا به روی دیگران متفاوت که در این پژوهش جوانان هستند و پرهیز از تهدید دیدن آنان، همچنین اتخاذ سیاست‌های معطوف به تظهير و پاکسازی فضای شهر، از جمله اقداماتی است که می‌تواند معاشرت‌پذیری فضا را افزایش دهد. با تکیه بر این مفاهیم، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا لایه‌های مختلف موضوع شناسایی شود.

روش پژوهش

این پژوهش در چارچوب روش اتنوگرافی شهری^۱ انجام یافته است. در اینجا محقق از طریق «مطالعه میدانی» و با استفاده از فنون «مشاهده مستقیم»، «مشاهده مشارکتی»، مصاحبه و گردآوری اسناد و مدارک، شناخت و فهمی درونی از فرهنگ‌های گوناگون به دست می‌آورد (فاضلی، ۱۳۹۴). از این رو یافته‌های پژوهش حاصل به‌کارگیری فنون جمع‌آوری اطلاعات نظیر فن گشت‌وگفت^۲، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته^۳ با اعضای اجتماع محلی و جوانان و مشاهده^۴ اشیا و اعمال در محیط و مکان بوده است. تمام تلاش محقق در این مطالعه آن بود تا بدون واسطه و به شکلی مستقیم به پدیده مورد مطالعه نزدیک شود و دلالت‌های معنایی نهفته در پس «مکان و مردم» را نشان دهد (ر.ک: Pardo & Prato, 2018). به همین دلیل در ساعات مختلف روز و شب در میدان تحقیق که خیابان برادران مظفر شمالی بود، حضور یافتم و با ایجاد ارتباط اجتماعی و روابط دوستانه با جوانان حاضر در گوشه و کنار پیاده‌راه، داده‌های پژوهش را جمع‌آوری نمودم. به اقتضای نیاز، هم از یادداشت‌برداری در میدان و هم از ثبت و ضبط مشاهدات پس از ترک میدان استفاده کردم. همچنین از دوربین عکاسی برای ثبت برخی

1. Urban ethnography
2. Walk & Talk Technique
3. Semi-structured interview
4. observation

مشاهدات استفاده نمودم. در طول مدتی که در میدان حضور داشتم، به مشاهده فعالیت‌های روزمره افراد حاضر در محل می‌پرداختم. گاهی آرام و گاهی تند در خیابان راه می‌رفتم و با دقت مشاهده می‌کردم. اگر چیزی توجه‌ام را جلب می‌کرد، آن را ثبت می‌کردم و اگر نیاز به گفت‌وگو یا پرس‌وجو بود، تلاش می‌کردم ارتباط ایجاد کنم. همچنین علاوه بر مشاهده، از سایر قوای حسی‌ام کمک می‌گرفتم. با دقت در میدان بو می‌کشیدم، زیرا معتقدم پژوهشگر شهری باید از همه قوای حسی برای شناخت میدان تحقیق بهره گیرد. همین امر موجب شد تا در قسمت‌های مختلف خیابان، متوجه مصرف مخدر گل و یا ریخته شدن روغن کارکرده اتومبیل روی لبه‌های پیاده‌راه توسط برخی از نگهبانان ساختمان‌ها و سرایداران شوم.

باید توجه داشت که مطالعاتی این‌چنین در قلب شهر تهران، دشواری‌های خاص خود را دارد. محقق باید اعتماد جوانان و اعضای اجتماع محلی را جلب کند تا آنان با سهولت، عقاید واقعی خود را ابراز نمایند. همان‌گونه که گاسترسن بیان می‌دارد، پژوهش میدانی حتی بیش از پژوهش‌های روستایی نیازمند انعطاف‌پذیری، خلاقیت و تکیه بر وقوع رویدادهایی غیر منتظره است. این نوع پژوهش را می‌توان نوعی روش التقاطی (گلچین کردن بهترین روش‌ها و فنون) از تحقیق دانست یا حتی آن را نوعی کار غیر حرفه‌ای عملی پنداشت (گاسترسن، ۱۹۹۷: ۱۶، به نقل از جفی و کانینگ، ۱۳۹۹: ۳۲).

معرفی میدان پژوهش

خیابان برادران مظفر شمالی از خیابان انقلاب به سمت شمال آغاز و تا بلوار کشاورز ادامه دارد. تداوم این خیابان در ضلع جنوبی خیابان انقلاب، برادران مظفر جنوبی نامیده می‌شود. این خیابان به موازات و مابین خیابان ولیعصر و خیابان فلسطین در منطقه ۶ شهر تهران واقع شده است. خیابان‌های طالقانی، دمشق و بزرگمهر، مهم‌ترین خیابان‌هایی هستند که این خیابان را قطع می‌کنند (ضمائم: شکل ۱).

آنچه ویژگی متمایزی به این خیابان بخشیده، سنگ‌فرش کردن آن از ابتدای خیابان انقلاب تا خیابان طالقانی است. کف‌سازی، ایجاد مبلمان شهری، نصب چادر یا سایه‌بان بزرگ مدرن در مقابل یکی از ساختمان‌های وابسته به فرهنگستان علوم که در مجاورت

تقاطع این خیابان با خیابان طالقانی قرار دارد، مهم‌ترین اقداماتی است که در جهت تبدیل خیابان به پیاده‌راه انجام شده است (ضمائم: شکل‌های ۲ تا ۵). طبق گفت‌وگوهایم با برخی از کارشناسان مطلع متوجه شدم که قرار بر آن بوده تا این خیابان تبدیل به گذر فرهنگ و هنر شهر تهران شود، ولی این ایده که ایده جذابی نیز به نظر می‌رسد، تحقق نیافت.

نمایه اجتماع

خیابان برادران مظفر شمالی در قسمت‌های مرکزی شهر تهران قرار گرفته است. یکی از دلایلی که می‌توان برای تبدیل این خیابان به پیاده‌راه متصور بود، قرار داشتن مراکز فرهنگی، هنری و فراغتی مختلف در محدوده این خیابان است که در ادامه به آنها اشاره می‌کنم.

به فاصله نزدیکی از این خیابان، دانشگاه هنر در خیابان ولیعصر قرار گرفته است. همچنین دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد در خیابان فلسطین جنوبی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری وابسته به جهاد دانشگاهی در خیابان انقلاب، مؤسسه فرهنگی، هنری و پژوهشی صبا وابسته به فرهنگستان هنر، سینما فلسطین، موزه هنرهای معاصر فلسطین و ساختمان تئاتر شهر در چهارراه ولیعصر، مهم‌ترین مراکز هنری و فرهنگی موجود در این خیابان و یا نزدیک به آن هستند. وجود این مراکز از منظر اجتماعی می‌تواند تأثیرات خاصی بر کلیت خیابان داشته باشد و تبدیل آن را به خیابانی تفرجگاهی برای علاقه‌مندان به هنر و ادبیات و یا مکانی برای گشت‌وگذار اقشار دارای سرمایه فرهنگی بالا، بیشتر سازد. در واقع وجود چنین مراکزی در پیرامون خیابان برادران مظفر شمالی، هویت خاصی به خیابان می‌بخشد و کارکرد فرهنگی آن را برجسته می‌نماید.

از نظر بافت، این خیابان ترکیبی از مراکز اداری، خدماتی، هنری، تجاری و مسکونی است. در واقع در این خیابان شاهد اختلاط و هم‌جواری کاربری‌های گاه متضاد با هم هستیم. البته باید توجه داشت که در مقایسه با سایر کاربری‌ها، کاربری مسکونی در این خیابان کمتر به چشم می‌آید. در دهه‌های اخیر، برخی از نقاط مرکزی شهر تهران تحت تأثیر گسترش کاربری‌های تجاری و فعالیت‌های وابسته به آن نظیر انبارداری و سکونت

خانه‌های کارگری مجردی، به تدریج سکونت‌زدایی شده‌اند. در نتیجه مشاهدات میدانی‌ام در این منطقه نشان می‌دهد که تعداد پلاک‌های مسکونی این خیابان در مقایسه با سایر کاربری‌ها، کمتر است. برای مثال چند پلاک مسکونی در بن‌بست‌های صفا، بخشنده، مهربان و یکم و همچنین دو مجتمع مسکونی آپارتمانی در خیابان اصلی برادران مظفر شمالی، محدوده‌ای بین خیابان انقلاب و بزرگمهر وجود دارد. سایر ساختمان‌های موجود در این خیابان اغلب اداری، تجاری، خدماتی و یا بلاتکلیف و رهاشده‌اند. از جمله ساختمان‌های تجاری و اداری واقع در این خیابان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سازمان آموزش و پرورش استثنائی کشور
- مؤسسه هنری، فرهنگی و پژوهشی صبا
- پاساژ رضا، خاص محصولات رایانه
- موزه هنرهای معاصر فلسطین
- نیکنام طب
- شرکت ICDL ایران
- ستاد بانک توسعه تعاون
- رستوران صبا
- مرکز تبادل کتاب
- خانه سخت‌افزار
- ساندویچ صبا

جدا از آنچه نام برده شد، یکی از ویژگی‌های فرهنگی خیابان برادران مظفر شمالی، وجود مکان‌های سوم^(۱) (Mehta & Bosson, 2009) یعنی کافه‌های متعدد امروزی در محدوده آن است. کافه ریچارد و کافه آنتراکت در مجاورت این خیابان و همچنین کافه لند، کافه ویونا، کافه کتاب لحظه، کافه گودو و کافه سارا از جمله کافه‌های واقع در اطراف این خیابان است که عمدتاً پاتوق دانشجویان رشته‌های هنری، جوانان مد روز و علاقه‌مندان به کارهای هنری محسوب می‌شود.

یافته‌ها

معمولاً یکی از دشواری‌های مطالعات میدانی، سامان دادن به یافته‌های متنوعی است که حاصل مشاهدات و گفت‌وگوهای متمرکز و پراکنده محقق است. با بررسی و تأمل درباره

داده‌های گوناگون جمع‌آوری شده، در ادامه تلاش شده است تا یافته‌های این تحقیق در محورهای موضوعی مختلفی خلاصه گردد.

۱- حضور چشمگیر خودروها

مبالغه‌آمیز نیست اگر بگوییم که حضور خودرو در پیاده‌راه برادران مظفر شمالی، بیش از افراد به چشم می‌خورد. معمولاً در ساعات مختلف روز، خودروها در جوانب و در وسط این خیابان پارک کرده‌اند. در بعضی از نقاط این پیاده‌راه شاهد پارک سه ردیف خودرو هستیم. در ساعات کاری روز، این خودروها به کارمندان و کارکنان ساختمان‌های اداری و تجاری محدوده تعلق دارد. در مرتبه بعد، این خودروها متعلق به کسانی است که جهت خرید به «پاساژ رضا» مراجعه می‌کنند. در مقابل این پاساژ نیز از صبح تا عصر، موتورهای پارک کرده‌اند که عموماً سفارش مشتری‌ها را به دست آنان می‌رسانند. برخی از موتورها نیز به کارکنان شاغل در پاساژ تعلق دارد. نکته جالب آنکه در فصول مختلف، برای پارک کردن خودرو در زیر سایه‌بان بزرگ مدرنی که در واقع نمادی هنری در این خیابان محسوب می‌شود، رقابتی نامحسوس بین دارندگان خودرو وجود دارد و هر کس تقلا می‌کند تا ترجیحاً خودروی خود را زیر سایه‌بان پارک نماید (ضمائم: شکل‌های ۶ تا ۹). حامد، مالک یکی از این خودروها معتقد بود که:

«کسی توی این خیابون نمی‌یاد. شما از سر تا انتهای خیابون رو برید نگاه کنید. هیچ کس نیست. گاهی چند نفری رد می‌شن که اون هم گذری ان. خب وقتی خیابون خالی هستش چرا ماشین پارک نکنیم»

نکته قابل تأمل آن است که این فضای شهری جهت حضور افراد و بهره‌مندی آنان از آرامش پیاده‌راه طراحی شده است؛ با وجود این همچون سایر پهنه‌های شهر تهران، این فضا نیز به سیطره اتومبیل‌ها درآمده است و به خوبی بیانگر نقد لوفور از شهرهای امروزی است، یعنی سیطره اتومبیل بر زندگی روزمره شهری ما. چنین حضوری موجب شده تا پیاده‌راه آنگونه که شایسته است، هویت یک پیاده‌راه موفق (نظیر شهر کپنهاگ. ر.ک: ابتکار جهانی طراحی شهرها، ۲۰۲۱) را به خود نگیرد. خانم تقوایی که ۲۲ سال ساکن این محدوده است ناراضیاتی

خود را از این وضع چنین بیان می‌دارد:

«اوایل که اینجا رو سنگفرش می‌کردن دلمون خوش بود که محل زندگی مون قشنگ تر میشه. گفتیم ممکنه توی رفت و آمد دچار مشکل بشیم ولی حداقل اینجا باصفا تر میشه و محله مون هم یه رونقی می‌گیره ولی شما برید زیر اون سایه بون رو نگاه کنید. کلی خرج کردن براش ولی زیرش این کارمندا ماشین می‌ذارن».

۲- فقدان جدی کسب‌وکارهای خرد

یکی از ویژگی‌هایی که در پیاده‌راه برادران مظفر شمالی در مقایسه با سایر پیاده‌راه‌ها و حتی خیابان‌های معمول شهر تهران به چشم می‌خورد، تعداد اندک کسب‌وکارهای خرد و متنوع است. ساختمان‌های بزرگ مراکز اداری، بخش وسیعی از این خیابان را به اشغال خود درآورده‌اند و همین امر باعث شده است تا حداقل در طبقه همکف این ساختمان‌ها، کسب‌وکارهای خرد شکل نگیرد. همچنین وجود ساختمان‌های بلا تکلیف و رهاشده (ضمائم: شکل ۱۰ و ۱۱) نیز بر وخامت این امر افزوده است. در این پیاده‌راه تنها یک ساندویچی کوچک، یک رستوران، دو کافه و یک میوه‌فروشی دیده می‌شود. این خیابان فاقد حتی یک دکه مطبوعاتی است و این در حالی است که پیاده‌راه در پهنه فرهنگی شهر قرار گرفته است. به غیر از موارد نام‌برده، تقریباً هیچ کسب‌وکار خردی در این خیابان دیده نمی‌شود. همین امر، یکی از دلایل خلوت بودن آن در طول روز و شب است. چنین فقدان را در گفتگوهایم با چند سرایدار مطرح نمودم. آنان به خلوت بودن خیابان اشاره داشتند. محمود، ۴۸ ساله و سرایدار معتقد بود که:

«کاسب که از پول بدش نمی‌آد. اگه بدونه که مشتری هست میاد و مغازه می‌زنه. اینجا جمعیت زیادی نداره. اکثراً گذری هستن. غروباً هم یه سری جوون شیک و پیک میان اینجا که اونا هم با خودشون هر چی که می‌خوان بخورن رو جای دیگه می‌خرن و میارن اینجا».

گویی فقدان حیات اجتماعی کافی در این خیابان هم باعث تجمع و پارک اتومبیل‌ها و هم فقدان کسب و کارهای خرد در آن شده است.

۳- حضور افراد در محیط بر حسب زمان‌های مختلف

بر حسب ساعات مختلف روز، حضور افراد در این پیاده‌راه، متفاوت است. از صبح تا حوالی ظهر که معمولاً در فصل تابستان هوا خنک‌تر است، این خیابان بیشتر عملکردی عبوری و گذری دارد. یعنی بیشتر کسانی که در آن حضور دارند، رهگذرانی هستند که از نقطه‌ای به نقطه دیگر در حال عبورند. آنان معمولاً توجهی به محیط و مکان ندارند. برای مثال از خیابان انقلاب به بلوار کشاورز یا برعکس، از انقلاب به میدان فلسطین، دمشق یا طالقانی و برعکس در حال عبورند. در حوالی ظهر و به‌هنگام ناهار، برخی از کارمندان و کارکنان ساختمان‌های تجاری و اداری برای صرف غذا به اغذیه‌فروشی‌ها یا رستوران‌های محدود اطراف مراجعه می‌کنند. به همین دلیل در این هنگام از روز، بیشتر شاهد افراد کت و شلوارپوش یا دارای لباس‌های رسمی با ظاهری کارمندی هستیم. برخی از آنان نیز در مقابل درب ساختمان محل کار خود با همکاران در حال کشیدن سیگار و خوش‌وبش‌اند. نکته قابل تأمل آنکه سیگاری‌های مراکز کاری این پیاده‌راه پاتوق‌هایی داشتند که تقریباً در ساعات مشخصی از روز، و در جای مشخصی شکل می‌گرفت. مصاحبه‌هایم با اعضای این پاتوق‌ها حاکی از آن بود که دلبستگی مکانی آنان به جمع‌های دو یا سه نفره خودشان، و قلمرویی که برای سیگار کشیدن ساخته بودند (کنجی در جنب ساختمان محل کار) بیشتر از دلبستگی به کلیت پیاده‌راه برادران مظفر شمالی بود. در کل تا عصر و ابتدای تاریکی هوا، این خیابان فاقد عملکردی فراغتی است. از ابتدای عصر و با تاریک شدن هوا، به تدریج نشانه‌هایی پراکنده از افرادی دیده می‌شود که با قصد تفریح و تفریح در این خیابان حاضر شده‌اند. این افراد عمدتاً جوانان واقع در سنین ۱۸ الی ۲۵ سال هستند. ظاهر آنها گویای آن است که یا علاقه‌مند به هنرند و یا درگیر فعالیت هنری‌اند.

باید توجه داشت که کافه ریچارد در ابتدای خیابان مظفر شمالی، یکی از کافه‌های معروف و شلوغ شهر تهران و یکی از پاتوق‌های مهم «بچه‌های هنر» دانشگاه‌های اطراف نظیر دانشگاه هنر، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد و دانشکده هنرهای معاصر دانشگاه تهران است (ضمائم: شکل ۱۲ و ۱۳).

این گروه از دانشجویان معمولاً در محل تحصیل خود نیز در مقایسه با

دانشجویان سایر رشته‌های دانشگاهی، پوشش و رفتار متفاوتی دارند. در بسیاری از مواقع، صندلی‌های کافه ریچارد اشغال شده است و متقاضیان باید منتظر خالی شدن صندلی بمانند. همین امر باعث می‌شود تا مشتری‌های جوان و مدروز منتظر روی سکوه‌های ساختمان‌های مجاور بنشینند و فارغ از جنسیت، با کشیدن سیگار و و گفت‌وگوهای پراکنده، وقت‌گذرانی کنند تا آنکه جایی برای نشستن در کافه پیدا شود. برخی از این جوانان حتی پس از کافه نیز در این خیابان پرسه می‌زنند، بر لبه‌های مقابل ساختمان‌ها می‌نشینند و با هم حرف می‌زنند. مرتضی و راشین، دو جوانی هستند که در ساعت ۱۱ شب مقابل یکی از ساختمان‌ها نشسته‌اند. به آنها می‌گویم که غروبی آنها را در کافه دیدمشان و از حضورشان در آنجا می‌پرسم. مرتضی می‌گوید:

«اینجا هم حال خودش رو داره. خب کافه دیدین که چقد همه‌مه و سر و صدا هست. ما ترجیح می‌دیم بعد از کافه بیاییم اینجا بشینیم تا اون هیاهو از کله مون بیره». به صورت دوستش راشین نگاه می‌کند. لبخند شیطنت آمیزی می‌زند و ادامه می‌دهد:

«خب اینجا، زیر نور ماه، با کسی که دوستش داری علف یه حال دیگه ای داره» و هر دو می‌خندند.

بخشی دیگر از افراد حاضر در پیاده‌راه مذکور به‌هنگام تاریکی شب، جوانانی هستند که فیلمی را در سینماهای مجاور و مراکز پخش فیلم متعلق به دانشگاه‌های اطراف دیده‌اند و یا جوانانی هستند که به مراکز هنری و فرهنگی واقع در این خیابان و محیط‌های اطراف مراجعه کرده‌اند. آنان به دنبال محیطی دنج و خلوت برای بحث و تبادل نظر درباره محصولات فرهنگی هستند. این خیابان به دلیل خلوت بودن، نبود سروصدای شهر و تاریکی خاص مه‌آلودش، این دسته از جوانان را جذب خود می‌نماید. باید توجه داشت که این روزها حتی در مکان‌های دانشگاهی، مصرف ماریجوانا افزایش چشمگیری داشته است. گفت‌وگو با افراد حاضر در این خیابان و مشاهدات میدانی‌ام بیانگر آن است که مصرف اینگونه مواد در بین دانشجویان رشته‌های هنری، بیش از سایر

دانشجویان است؛ زیرا این دانشجویان معمولاً سبک زندگی آوانگارد خود را دارند و برخی از آنان نیز تصور می‌کنند که مصرف به قول آنان علف، «مُود بالا» به همراه می‌آورد؛ به این معنا که باعث می‌شود آنان از کسالت و رخوت حاکم بر زندگی روزمره رها شده، حضور در مرتبه بالاتری از حس و حال را تجربه نمایند. به همین دلیل مشاهده جوانان و دانشجویانی که در نقاط مختلف این پیاده‌راه نشسته‌اند و در حالی که بحث می‌کنند، علف می‌کشند، چندان دشوار نیست. این وضعیت باعث می‌شود تا خیابان برادران مظفر شمالی از نظر حسی و به طور خاص بویایی نیز هویت خاصی به خود بگیرد؛ ویژگی‌ای که برخی از مردم‌نگاران شهری این روزها به آن توجه نشان می‌دهند (Gélard, 2016). در این زمینه سه پاتوق در طول پیاده راه مشاهده کردم. این پاتوق‌ها از نظر مکانی به شخصی سازی و قلمرو سازی پرداخته بودند. تقریباً اعضای ثابتی داشتند و اتمسفر اجتماعی حاکم بر آنها شبیه به هم بود. غالباً درباره هنر، چهره های هنری، مهاجرت، موسیقی و زندگی روزمره بحث می‌کردند و کمتر به سراغ سیاست می‌رفتند. مصرف سیگار و ماریجوانا در بین اینان شایع بوده و پاتوق‌ها جنسیتی نبودند. باید به نکته دیگری نیز اشاره کرد. در سال‌های اخیر، رکیک‌گویی یا آنچه در فضای مجازی به «فارسی سخت» باب شده است، در بین جوانان رشد چشمگیری داشته است. منظور نویسنده به‌کارگیری الفاظ رکیک، هنگام بحث درباره مسائل و موضوعات فرهنگی و هنری و سیاسی است. ترکیب کشیدن سیگار و ماریجوانا توسط دختران و پسران و در کنار آن بحث‌های فرهنگی با الفاظ رکیک موجب شده است تا برخی از ساکنان و به‌ویژه نگهبانان ساختمان‌های تجاری و اداری که معمولاً از طبقات سنتی جامعه هستند، از این وضعیت شاکی شوند. با اعضای یکی از این پاتوق‌ها به گفتگو نشستیم. مهدی، گفت:

«این موقع شب اینجا کسی نیست. هر کی هم هست درست مثل مان دیگه. اصلاً اینطرفا خونه ای نیست. شما یه پنجره به من نشون بده».

سوگل، یکی دیگر این جمع ادامه می‌دهد:

«به نظر شما ما تو این شهر کجا باید بریم که آسوده باشیم. کجا بریم که نگران چیزی نباشیم. استرس نداشته باشیم. کسی نره رو اعصابمون».

اعتراض نگهبانان ساختمان های اداری را با آنان در میان می گذارم. مرجان ادامه می دهد:

«همون نگهبان ها گاهی حوصله شون سر می ره و می زنن زیر آواز. ما هم باید بریم اعتراض کنیم که چرا می خونید و حالشون رو خراب کنیم؟ مشکل اینه که همه به یه شکلی عقده ای هستن. عقده ای».

فریبرز، خنده ای عصبی می کند. به جهتی اشاره می کند و می گوید:

«شما باورت میشه که مأمورا اومدن و سکوهایی که برای نشستن اینجا ساخته شده بود رو کندن؟ می دونید چرا؟ چون جوونها اینجا نشینن. انگار ما ویروس هستیم و باید جمع مون کنن».

در نهایت گروه آخر حاضر در پیاده راه، معتادان و کارتن خواب ها هستند. با ترک جوانان آلامد، نوبت حضور این افراد می شود که عمدتاً در ساعات پایانی شب به این خیابان می آیند. آنان در حاشیه های خلوت خیابان روی مقوا می خوابند و در موارد محدودی نیز به استعمال مواد مخدر می پردازند. هنگام حضور معتادان کارتن خواب و بی پناهان شهری تقریباً پیاده راه خالی از حضور سایر گروه های اجتماعی شده است، زیرا آنان دیر هنگام به این قسمت از شهر می آیند و صرفاً به دلیل خلوت بودن، نبود پلیس و عابر پیاده و همچنین نگهبان، این مکان را انتخاب می کنند. رضا، یکی از این اورگان شهری می گوید:

«من گاهی می رم پارک دانشجو می خوابم. ولی اونجا دیگه خیلی داره شلوغ میشه. می دونید دیگه. پارکه. نگهبان داره. اینجا خب کسی کار به کار آدم نداره. نصف شب نمی آن به گلا آب بدن و آدم رو آلاخون و آلاخون کنن».

۴- اجتماع محلی و مدارای اجتماعی

نویسنده این سطور با حدود پانزده نفر از ساکنان محدوده مصاحبه نمود و به نظرهای متفاوتی درباره پیاده راه و شرایط اجتماعی حاکم بر آن دست یافت. هر کدام از

مصاحبه‌شوندگان با توجه به سابقه سکونت، میزان سرمایه فرهنگی، سن و سنتی یا مدرن بودن، نظر متفاوتی بیان می‌کرد. برای مثال کسانی که از دیرباز ساکن این خیابان بودند و سرمایه فرهنگی مناسبی نیز داشتند، نگاه بازتری به حضور دیگران متفاوت در خیابان داشتند و تعامل و اختلاط جوانان آلامد و آوانگارد در خیابان را امری طبیعی و برخاسته از نیازهای طبیعی جوانان می‌دانستند. البته آنان، نقدهای جدی نیز به سیاست‌های حکومتی و نحوه برخورد آن با جوانان داشتند. نظر این گروه از ساکنان تحت تأثیر نارضایتی کلی آنان از دخالت‌های حکومت در شکل دادن به سلاقی و رفتارهای جوانان بود و به شدت منتقد چنین رویکردی بودند. ولی در عین حال به خود پدیده پیاده‌راه نیز انتقاد داشتند.

نقد این گروه از ساکنان به پیاده‌راه عبارت بود از:

- بلاتکلیفی و رهاشدگی محسوس آن^(۲)
- عدم تحقق وعده‌های مطرح‌شده درباره ساخت گذر فرهنگ و هنر تهران
- تردد موتورسیکلت‌ها از حاشیه پیاده‌راه به دلیل صاف بودن موزاییک‌ها (شکل ۱۴) و ایجاد هراس در آنان
- عملکرد یکی از ساختمان‌های وابسته به آموزش و پرورش به عنوان انبار و برقراری مزایده و مناقصه این وزارتخانه در آن محل و در نتیجه تردد کامیونت‌ها در محوطه که بدون تردید با یک پیاده‌راه تناسبی ندارد. آنان مدام این سؤال را طرح می‌کردند که «آخر جایی که قرار است گذر فرهنگ و هنر تهران باشد، چگونه می‌تواند محلی برای برگزاری مزایده و مناقصه توسط یک ارگان دولتی شود؟»
- گروه دوم که در ظاهر فاقد احساس تعلق به مکان بودند، عمدتاً مستأجر و ساکنان موقتی منطقه محسوب می‌شدند. اینها از وضعیت فرهنگی حاکم بر پیاده‌راه و به طور خاص اختلاط راحت و بی‌دغدغه دختران و پسران انتقاد داشتند. نگرش آنان به پیاده‌راه اغلب منفی بود. انتقاد آنان به شرح زیر است:
- اختلاط و تعامل دختران و پسران در حاشیه پیاده‌راه
- عدم رعایت شئونات از طرف دختران و پسران به‌ویژه به‌کارگیری فحش‌های رکیک از طرف هر دو

- تردد افراد معتاد و کارتن‌خواب در حاشیه‌های خلوت پیاده‌راه
- پارک خودروها در نقاط مختلف پیاده‌راه
- عدم احساس امنیت در بین اهالی

گروه اخیر خواستار برخورد نیروی انتظامی با جوانانی بودند که در سطرهای قبلی توصیف شدند. آنان هم معتادان و هم دختران و پسران جوان را در یک مقوله یعنی منحرفان و هنجارشکنان قرار می‌دادند.

گروه سومی که درباره جوانان حاضر در پیاده‌راه نظر منفی داشتند، نگهبانان ساختمان‌های تجاری و اداری بودند. این افراد معمولاً در ساعات غیر اداری نیز در اتاقک نگهبانی خود حضور دارند و به همین دلیل از نزدیک شاهد رفتارهای جوانان آلامد و آوانگارد حاضر در پیاده‌راه هستند. برخی از آنان معتقد بودند که برای دور کردن جوانان از ساختمان محل کار خود، در سکوها و پله‌های اطراف، گلدان گذاشته‌اند. عده‌ای اشاره می‌کردند که برخی از صاحبان ساختمان‌ها روی پله‌ها و لبه‌های ساختمان، روغن کارکرده خودرو می‌پاشند تا جوانان روی این پله‌ها ننشینند (ضمائم: شکل ۱۵ و ۱۶).

اینها از جمله واکنش‌های عملی برخی از اعضای اجتماع محلی برای دور کردن جوانان متفاوت و غیر شبیه به جریان حاکم از منطقه بوده است. نکته قابل تأمل آنکه جوانان در قسمت‌های از خیابان قلمروسازی کرده، به تعبیری به «شخصی‌سازی مکان» پرداخته بودند. این مکان‌ها تبدیل به پاتوق‌های بدون شناسنامه این جوانان شده بود و برخی نگهبانان و سرایداران تلاش می‌کردند تا این پاتوق‌ها را تخریب نمایند. گفت- وگوهای نویسنده با این افراد نشان می‌داد که آنان نسبت به نسل خود، نگاه بسیار مثبت داشته، نسل امروزی را از اساس خطاکار و منحرف و بی‌بندوبار می‌دانستند و به بیان روشن‌تر خواستار حذف آنان از محیط بودند. در این زمینه درباره رعایت هنجارهای اجتماعی حاکم و هم‌نواپی با آنها، انتظار آنان از دختران به مراتب بیشتر از پسران بود.

بحث و جمع‌بندی

در خیابان برادران مظفر شمالی اغلب جوانان متفاوت‌پوش و آلامد حضور دارند که از کافه‌های اطراف یا مراکز هنری و سینمایی مجاور به این خیابان می‌آیند و یکی از دلایل

حضور آنان، آرام و خلوت بودن این قسمت از شهر است. هدف آنان، تجربه فضای متفاوتی از شهر و در کنار آن گریز از نگاه خیره نهادهای رسمی است که معمولاً در خیابان‌ها و فضاهای عمومی شهری سنگینی می‌کند. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که پاتوق‌های این جوانان اغلب جنسیت‌زدایی شده است. منظور آنکه دختران و پسران بدون توجه به تمایزهای جنسیتی و هنجارهای متداول، با یکدیگر تعامل و ارتباط اجتماعی دارند. البته باید گفت که سبک زندگی این جوانان به گونه‌ای است که از خرده‌فرهنگ حاکم بر جوانان آآمد و هنری پیروی می‌کند که برای مثال مصرف ماریجوانا و یا به‌کارگیری الفاظ رکیک به‌ویژه در پسران از آن جمله است.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در مواردی، هم اجتماع محلی و هم نهادهای رسمی، تحمل دیگری ناهمنوا را ندارند و با به‌کارگیری شیوه‌های مختلف طرد و کنار گذاشتن، تلاش می‌کنند تا به تخریب پاتوق‌های بی‌شناسنامه این جوانان در سرتاسر پیاده‌راه بپردازند و امکان و تجربه گریز از نگاه خیره و قلمروسازی در دل فضای عمومی را برای آنان دشوار سازند. ریختن روغن کارکرده اتومبیل روی پله‌ها و لبه‌های ساختمان‌ها، خاموش کردن چراغ‌های روشنایی در مقابل ساختمان‌ها با تاریک شدن هوا، گذاشتن گلدان روی لبه‌ها و در نهایت برچیدن نیمکت‌ها و مبلمان شهری از خیابان، از آن جمله است. در واقع با به‌کارگیری استراتژی‌های طرد و به حاشیه راندن، به هر قیمتی تلاش می‌شود تا مکان تصفیه و پالایش شود. تصفیه و پالایش مکان یعنی آنکه حضور متفاوت‌ها در آن تحمل نمی‌شوند و مکان صرفاً در اختیار هویت‌های یکدست و مشابه قرار می‌گیرد.

یافته‌های میدانی این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که جوانان متفاوت‌پوش و آآمد به اشکال مختلف به شخصی‌سازی^۱ مکان عمومی می‌پردازند. در واقع آنان مکان عمومی را به تصرف خود درآورده، نوعی خصوصی‌سازی/قلمروسازی در دل فضاهای عمومی شهری انجام می‌دهند. این امر در بسیاری از شهرهای جهان وجود دارد (شارع‌پور، ۱۳۹۱: ۲۰۵). این جوانان از طریق تلفن همراه، موسیقی مورد علاقه خود را پخش می‌کنند؛ گاهی مجله یا کتاب مورد علاقه خود را در مکان می‌خوانند؛ ساندویچ یا سایر

خوراکی‌ها را همراه خود می‌آورند و در مواردی با دوستانشان ساز می‌نوازند و دسته-جمعی می‌خوانند. در برخی از این جوانان، رگه‌هایی از مقاومت نیز دیده می‌شود. آنان نیز در مقابل سیاست طرد و انکار، سیاست مقاومت را پیش می‌گیرند. برای مثال با آوردن مقوا همچنان روی لبه‌های کنار پیاده‌راه می‌نشینند، یا در گوشه و کنار پیاده‌راه ایستاده پاتوق‌های جدید می‌سازند. برخی از آنان، گلدان‌های روی لبه‌ها را برداشته، روی زمین می‌گذارند و پس از پایان دوره‌می، گلدان را به جای نخست برمی‌گرداندند. همان‌گونه که بیان شد، در اطراف این پیاده‌راه، مراکز متعدد هنری، دانشگاهی و سینمایی وجود دارد. این پیاده‌راه، مکان مناسبی برای نشستن این عده از جوانان و صحبت درباره رویدادهای هنری شهر است. باید توجه داشت که معمولاً آن آقشاری که دارای سرمایه فرهنگی بالایی هستند، علاقه دارند تا از نظر رفتار و پوشش متمایز جلوه کنند و این گروه از جوانان از این مدعا مستثنی نیستند. مدارای اجتماعی نسبت به این تفاوت‌ها و اتخاذ سیاست دربرگیری^۱ به جای طرد می‌تواند موجب تقویت انسجام اجتماعی در شهر گردد (ر.ک: مالون، ۱۳۹۵).

دو اصطلاح جدایی^۲ و جدایی‌گزینی^۳، تفاوتی جزئی با هم دارند. جدایی در شهر، تصمیمی است که معمولاً توسط خود یک گروه اجتماعی انجام می‌شود، ولی جدایی‌گزینی، سرنوشتی است که حاکمان یا تصمیم‌گیران برای یک گروه اجتماعی رقم می‌زنند (Martin & Nakayama, 2010). در پیاده‌راه برادران مظفر شمالی شاهد جدایی هستیم. خود جوانان آآمد و آوانگارد تصمیم گرفته‌اند تا در نقطه‌ای از شهر و به دور از نگاه خیره و ناظر نهادهای رسمی در جایی بنشینند و دوره‌می تشکیل دهند. آنان در دل شهر برای خود حاشیه امنی ساخته‌اند. به علاوه، در برخی کشورها جوانان غالباً برای دیده شدن و رؤیت‌پذیری بیشتر در فضاهای عمومی شهری حضور می‌یابند ولی این مطالعه بیانگر آن است که این گروه از جوانان اغلب برای پنهان ماندن، دیده نشدن و یافتن مکانی خلوت و خودمانی به این نقطه از شهر آمده‌اند. در واقع هدف آنان گسست از شهر است و دلیل آن فقدان به رسمیت شناخته شدن است. در این زمینه، دو

-
1. inclusion
 2. separation
 3. segregation

سیاست می‌توان اتخاذ کرد: یا آنان را از حاشیه‌ای به حاشیه‌ای دیگر سوق داد. یعنی از این مکان عمومی به داخل مکان‌های خصوصی سوق داد که این تصمیم نوعی سیاست جدایی‌گزینی است. سیاست دوم آنکه با مدارا با موضوع مواجه شد و برخورداری جوانان متفاوت از فضاهای عمومی شهری را به رسمیت شناخت؛ آنچه متفکرانی نظیر لوفور، «حق به شهر» (ر.ک: مریفیلد، ۱۴۰۰) تلقی می‌کنند. جوانان، چه با هنجارهای حکومت‌پسند هم‌نوا باشند و چه نباشند، از شهر حقیقی دارند. همان‌طور که یافته‌های مردم‌نگارانه این پژوهش نشان می‌دهد، متأسفانه هم‌اکنون اتفاق نامطلوبی در این محیط رخ داده است؛ اینکه برای دور کردن این جوانان از محیط، تمامی مبلمان شهری نصب‌شده در پیاده‌راه را نهادهای رسمی برچیده‌اند و پس از آن نیز برای مکث نکردن آنان در طول مسیر، روی لبه‌ها روغن خودرو پاشیده‌اند. آنچه در خیابان برادران مظفر شمالی رخ می‌دهد، پژواکی از سیاست‌های کلان جامعه ایرانی در قبال جوانان است؛ به این معنا که «در مقابل چشمان ما این کارها و این رفتارها را نداشته باشید و در پنهان هر کاری خواستید بکنید».

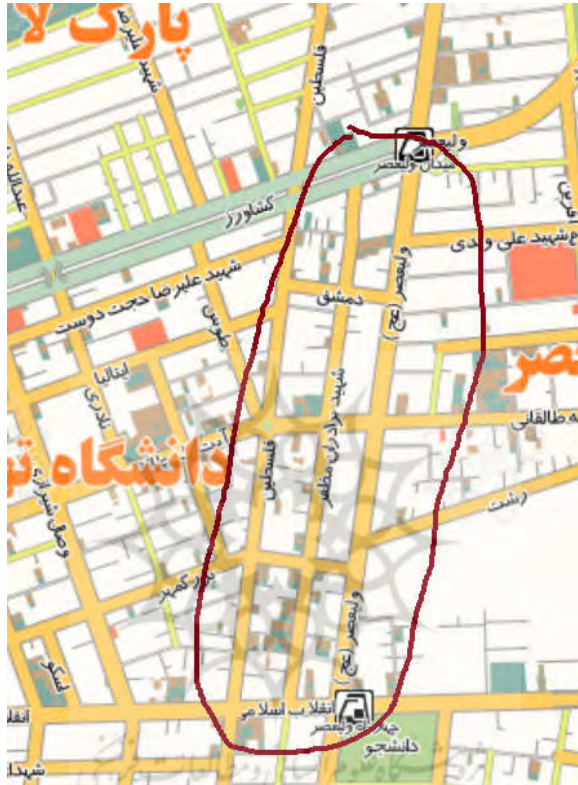
سخن نهایی آنکه، گسترش پذیرش و مدارای اجتماعی نسبت به دیگران متفاوت، اتخاذ سیاست دربرگیری، تشویق فضاهای عمومی باز و گشوده به روی همه، پرهیز از تظہیرسازی فضاهای عمومی از جمله سیاست‌هایی است که می‌توان نسبت به فضاهای عمومی شهری اتخاذ کرد.

پی‌نوشت

۱. اصطلاحی که الدنبرگ به کار برده است و به مکان‌هایی غیر از خانه و کار، که افراد می‌توانند دور هم جمع شوند و تعامل نمایند، اشاره دارد. مکانی بین محیط‌های کاری و محیط خانگی است.

ضمائم

شکل ۱- نقشه محدوده مطالعه



شکل ۲- سنگفرش خیابان



شکل ۳- سایه بان مدرن



شکل ۵- تجهیز پیاده‌راه جانبی



شکل ۴- مبلمان شهری^(۳)



شکل ۷- پارک موتورسیکلت‌ها



شکل ۶- پارک خودروها



شکل ۹- پارک خودروها



شکل ۸- پارک خودروها در عصر



شکل ۱۱- ساختمان رهاشده



شکل ۱۰- ساختمان بلا تکلیف



شکل ۱۳- نمای داخلی کافه ریچارد



شکل ۱۲- سر در کافه ریچارد



شکل ۱۴- حاشیه صاف پیاده‌رو



شکل ۱۶- مقابل پله‌های ساختمانی
بلا تکلیف



شکل ۱۵- قرار دادن گلدان برای جلوگیری
از نشستن جوانان



پی‌نوشت

۱. برای اطلاع بیشتر در زمینه تفاوت مکان و فضا می‌توان به صفحه ۴۱ کتاب جفی و کانینگ مراجعه کرد که در بخش منابع آمده است.
۲. عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که این پیاده راه به پیشنهاد مهندس میرحسین موسوی ساخته شده است و پس از حبس خانگی ایشان، پیاده راه بلا تکلیف ماند.
۳. به دلیل برچیدن مبلمان شهری در وضعیت کنونی، این عکس از مقاله گذر از فرهنگ به پارکینگ، در منبع زیر اخذ شده است:

<http://ensani.ir/file/download/article/20130417134717-9808-297.pdf>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰) «پیاپاده‌رو و حیات جمعی شهر»، نشریه شهر، زیبایی، زندگی، سازمان زیباسازی شهر تهران، دوره اول، شماره ۲ (ویژه‌نامه پیاپاده‌راه).
- انگلیس، دیوید (۱۳۹۱) فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه علیرضا مرادی، تهران، تیسرا.
- باتلر، کریس (۱۳۹۹) آنری لوفور، سیاست فضایی، زندگی روزمره و حق به شهر، ترجمه نریمان جهان‌زاد، تهران، همشهری.
- پورسرتیپ، فریناز (۱۳۸۹) «پیاپاده‌راه؛ تحکیم رابطه انسان و محیط شهری»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، فصلنامه تحلیلی - پژوهشی معماری و شهرسازی، سال نهم، شماره ۳۱، بهار، جفی، ریوکه و آنوک دی کانینگ (۱۳۹۹) درآمدی بر انسان‌شناسی شهری، ترجمه علی باصری و محمدطیب سلطانی‌نژاد، تهران، سمت.
- جیکوبز، جین (۱۳۹۶) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران، دانشگاه تهران.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۹۱) جامعه‌شناسی شهری، تهران، سمت،
- شالچی، وحید (۱۳۸۷) سبک زندگی جوانان کافی شاپ، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱، شماره ۱.
- علیخواه، فردین، شادمفعت، معصومه (۱۳۹۵) عشاق و شهر: مطالعه‌ای درباره جوانان و فضاهای عمومی در شهر رشت، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال نهم، شماره ۳۳.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱) «کافی‌شاپ و شهر»، در، فرهنگ و شهر، تهران، تیسرا و اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- (۱۳۹۴) مردم‌نگاری و کاربردهای آن در مطالعات شهری، سایت فرهنگ‌شناسی، <http://farhangshenasi.ir/> قابل دسترسی در، (۱۴۰۰/۳/۱۳)
- فاضلی، محمد و فردین علیخواه (۱۳۹۳) «اجتماع معترض، مجری مصمم، مطالعه اجتماعی پروژه پیاپاده‌راه‌سازی میدان امام حسین شهر تهران»، در، شهر، حمل‌ونقل و زندگی روزمره، گردآوری و تدوین محمد فاضلی، تهران، تیسرا.
- فکوهی، ناصر، امیری، علیرضا (۱۳۹۴) اوقات فراغت شهر تهران: همگرایی و واگرایی در فرایند پرسه زنی: مطالعه موردی شهرک قدس (غرب)، مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۱۰.
- مالون، کارل (۱۳۹۵) زندگی خیابانی، جوانان، فرهنگ و کاربردهای رقابتی فضاهای عمومی، ترجمه نرگس خالصی مقدم، منتشر شده در: دیوید هاروی، هانری لوفور، ادوارد سوچا، زیگموند باومن و دیگران، مطالعات شهری: نظریه و عمل، جلد ۱، مؤسسه نشر شهر، تهران.

مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران (۱۳۹۱) طراحی پیاده راه ها در شهر تهران؛ با تمرکز بر نیازهای اجتماعی شهر (نسخه الکترونیکی) دانش شهر، شماره ۱۲۳، دوره تابستان. مریفیلد، اندی (۱۴۰۰) آنری لوفور، مقدمه ای انتقادی، ترجمه امین علی محمدی، تهران، همشهری، معینی، سید مهدی (۱۳۹۰) شهرهای پیاده مدار، تهران، سازمان زیباسازی شهر تهران، محمدی، جمال، جهانگیری، امید، پاکدامن، یوسف (۱۳۹۴) تجربه پرسه زنی و باز شکل دهی فضاهای همگانی شهری، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۵، شماره ۷۰. محمدی، جمال، محمودی، جهانگیر (۱۳۹۷) تجربه جوانی و تولید فضای اجتماعی: مردمنگاری انتقادی پرسه زنی جوانان در فضاهای شهری، پژوهش های جامعه شناسی معاصر، دوره ۷، شماره ۱۲. مهتا، ویکاس (۱۳۹۸) خیابان، نمونه اصلی یک فضای عمومی اجتماعی، ترجمه فردین علیخواه، شهرزاد فرزین پاک، تهران، سازمان زیباسازی شهر تهران.

- Global Designing Cities Initiative (2021, October 20) Pedestrian Only Streets, Case Study | Stroget, Copenhagen, <https://globaldesigningcities.org/>.
- Goonewardena, K (2005) The urban sensorium, Space, ideology and the Aestheticization of politics, *Antipode*, 37 (1), 46-71, <https://doi.org/10.1111/j.0066-4812.2005.00473.x>
- Gélard, M (2016) Contemporary French sensory ethnography, *The Senses and Society*, 11 (3), 247-250, <https://doi.org/10.1080/17458927.2016.1195107>
- Loebach, J., Little, S., Cox, A., & Owens, P, E (2020) *The Routledge handbook of designing public spaces for young people, Processes, practices and policies for youth inclusion*, Routledge.
- Martin, J, N., & Nakayama, T, K (2022) *Intercultural communication in contexts*.
- Mehta, V., & Bosson, J, K (2009) Third places and the social life of streets, *Environment and Behavior*, 42 (6), 779-805, <https://doi.org/10.1177/0013916509344677>
- Neal, Z (2010) Seeking common ground, *Three perspectives on public space, Proceedings of the Institution of Civil Engineers - Urban Design and Planning*, 163 (2), 59-66, <https://doi.org/10.1680/udap.2010.163.2.59>
- Pardo, I., & Prato, G, B (2018) *The palgrave handbook of urban ethnography*, Palgrave Macmillan.
- Project for Public Spaces, Inc (2008) *Space into Place, Using Public Spaces to Rebuild Communities*, <https://www.pps.org/product/streets-as-places-using-streets-to-rebuild-communities>
- Scott, N, A (2013) Like a fish needs a bicycle, *Space and Culture*, 16 (3), 397-410, <https://doi.org/10.1177/1206331213487062>
- Sibley, D (2002) *Geographies of exclusion, Society and difference in the west*, Routledge.
- White, R (1993) Young people and the policing of community space, *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 26 (3), 207-218,

<https://doi.org/10.1177/000486589302600303>

White, Rob; Sutton, Adam (1995) Crime prevention, urban space and social exclusion, Journal of Sociology, First Published March 1



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی